

یادداشت سیاسی : ادعای "امانت" و "صداقت" مناشه امیر !!

مقاله ای در دیدگاه (و نه فقط در دیدگاه) منتشر می شود که نویسنده نسبت به نقشه های سیا و موساد به " اپوزیسیون مترقی " هشدار داده است . تا اینجا کار چیز غیر طبیعی به نظر نمی آید . سایتهای اینترنتی را که بگردی تقریباً بطور روزانه می توان مطالبی از این دست را یافت . آنچه که تازگی دارد واکنش غیر معمول مسئول نه چندان ناشناخته یک رادیوی فارسی زبان خارجی ، یعنی رادیوی خوشنام ! اسرائیل و اعتراض تهدید آمیز وی نسبت به گناه نابخشودنی مسئول این سامانه اینترنتی در انتشار دروغ و جعلیات ! می باشد . خدا رحم کرده است که مسئول دیدگاه و خانواده اش ، در خارج از سرزمینهای اشغالی (ببخشید سرزمین موعود) زندگی میکنند ، وگرنه ممکن بود طور دیگری با او و نویسنده دروغپرداز مقاله مورد بحث برخورد شود !

منهم مثل علی ناظر نویسنده مقاله مذکور را نمی شناسم و نمی دانم که آیا اساساً شخصیتی است حقیقی و یا نامی است صرفاً مستعار . با اینحال انتظار داشتم که اگر چه پاسخ مناشه امیر برای او بیشتر جنبه مثبت داشته تا منفی (چرا که باعث شده که امثال من نیز با نوشته هایش آشنا شوند) ولی می بایست که در مقابل این گستاخی سریعاً موضع می گرفت و سکوت نمی کرد . (حداقل تا الان که چند روزی هم گذشته است .) همانگونه که انتظار نوشتار دیگری که علی ناظر در رابطه با مقایسه این گناه نابخشودنی دیدگاه با گناهان قابل بخشش ! اسرائیل ، وعده داده است را نیز دارم .

و اما آنچه که مرا واداشت که این یادداشت را یقلم کنم ، تنها یک چیز بود و آن ادعای " امانت " و " صداقت " مناشه امیر در رابطه با ارائه خبر از رادیو خوشنام اسرائیل و به تبع آن " اعتبار " و " محبوبیت " ادعایی او در رابطه با رادیوی مذکور می باشد .

برای هر کس که با الفبای کار ژورنالیسم حرفه ای در جهان کنونی مختصر آشنایی داشته باشد ، بی ربطی مطلق سیستم رسانه ای موجود ، از کتاب و روزنامه گرفته تا رادیو و تلویزیون ، با مقولاتی همچون صداقت و امانت در ارائه خبر بطور خاص و مقوله اخلاق روزنامه نگاری بطور عام ، مثل روز روشن است . چه رسد به بلندگوی تبلیغاتی یک رژیم نژاد پرست که اساساً با هدف پیشبرد یک سیاست مشخص فرادولتی و با پولهای هنگفت یک دولت راسیستی (جدای از آنکه چه حزبی در راس آن قرار داشته باشد) پایه گذاری شده و به ده ها زبان دیگر هم برنامه پخش می کند . مگر آنکه جناب مناشه امیر معتقد باشد که انگیزه کار رادیو اسرائیل فقط و فقط عشق عارفانه دست اندرکاران آن به ایران و سعادت مردم آن بوده و هزینه آن نیز نه از صندوق دولت اسرائیل که از منابع مردمی ، فی المثل سهم امام ! تامین می گردد .

با اینحال ما فرض را بر این می گیریم که در شهر کورها زندگی می کنیم و ادعای " امانت و صداقت " جناب مناشه امیر را نیز جدی می گیریم ! به همین خاطر هم تنها با طرح سوالاتی چند از آقای مناشه امیر مطلب را ادامه می دهم و امید دارم که ایشان هم اگر چه این نگارنده نه ثقل سیاسی و نه شهرت نویسنده مقاله " هشدار به اپوزیسیون مترقی " را دارد ، اگر پاسخی برای آنها دارند از ما دریغ نفرمایند !

جناب امیر !

نظرتان را " صادقانه " راجع به آن چهار میلیون انسانی که توسط مردم و دولت اسرائیل از خانه و کاشانه خود اجباراً رانده شده و هنوز پس از گذشت دهها سال سه نسل از آنها در اردوگاه آوارگان زندگی می کنند و دولت اسرائیل حتی حاضر به گفتگو (پذیرش پیشکش) درباره مسئله حیاتی و انسانی بازگشت آنها به خانه های خود نیست ، بگوئید و تفاوت آنرا با مسئله راندن اجباری یهودیان اروپا توسط نازیها از خانه و کاشانه خود شرح دهید !

برای بسیاری از انسانهای آزاده دنیا فارغ از هر رنگ و نژادی ، فهم اینکه چگونه ممکن است خلقی که خود قربانی رانده شدن از خانه و کاشانه اش بوده است ، بسادگی و بی هیچ عذاب وجدانی بر ویرانه های انسانهای رانده شده دیگری سر آسوده بر زمین گذارد ، بسیار دشوار است .

"صادقانه" و "با امانت" بگویند اصلا واداشتن انسانها به ترک خانه و کاشانه خود و غصب اموال و دارایی هایشان، سیاست به کنار، عملی انسانی هست یا ضد انسانی؟

خراب کردن خانه های فلسطینیان بر سر بزرگ و کوچکشان به جرم داشتن رابطه صرف خانوادگی با عاملین عملیات انتحاری، عملی است انسانی و یا ضد انسانی؟

چندی پیش سربازان اسرائیلی دخترک کوچکی را به جرم نزدیک شدن به حریم آنها به رگبار بسته و پیکر کوچکش را سوراخ سوراخ کردند. این سربازان مدعی شده بودند که با تهدید عملیات انتحاری مواجه بوده اند و سن و سال کودک را تشخیص نداده اند. متن نوار مکالمه میان آنها و فرماندهان بالایشان که نشان دهنده آگاهی کامل آنان به وضعیت کودک و حکایت از یک جنایت آشکار داشت، مدتی بعد در رسانه های اروپایی، علیرغم فیلتر شدن حیرت انگیز اخباری از این دست، منتشر گردید.

هنوز تصویر آن کودک فلسطینی را که در آغوش پدرش و در مقابل چشمان صدها نفر و دهها دوربین تلویزیونی، با گلوله های سربازان اسرائیلی به تدریج و در یک فاصله زمانی طولانی و علی رغم فریادهای درد آلود پدر، به قتل رسید در پیش رو دارم. محال است که "انسانی" شاهد آن صحنه بوده باشد و تا ابد آنرا از یاد برد. آقای محترم! راجع به این جنایت ضد بشری، چند بار "صادقانه" و "با امانت" خبر دادید؟

می بینید! اصلا با شما بحث سیاسی نمی کنم که وارد بحث سیاسی با شما شدن، هیچ ضرری اگر که نداشته باشد، نشان از مشروعیت دادن به شما و امثالهم می باشد. بحث من فقط انسانی است! آخر صحبت از صداقت و امانت کرده اید که خاص عنصر انسانی است و بیگانه با دنیای حیوانی!

در دنیای تحت حاکمیت سیستم رسانه ای یا به اصطلاح جامعه رسانه ای، تنها انتقال عینی خبر، نشانه بی طرفی و بی غرضی رسانه مربوطه نیست، نوع رساندن خبر، شیوه بیان آن، وصل و یا منقطع بودن آن از فضایی که در آن خبر واقع می شود و خلاصه جایگاهی که در کل به آن اختصاص داده می شود و.. نقشی به مراتب مهمتر و تعیین کننده تر از نقل ساده و هر چند واقعی آن دارد. حتی جابجایی یک حرف ساده در یک جمله مهم خبری بعضا از یک نقش تعیین کننده در ارتباط با تاثیرات شگرف اجتماعی آن، برخوردار می شود.

در عالم مزاح، مثالی می زنم! فرض کنید شما می خواهید تیراژ روزنامه را در شرایطی که هیچ خبر مهمی را هم در دسترس ندارید بالا ببرید و یا بالا نگه دارید. مهمترین خبرتان هم گاز گرفته شدن مردی توسط سگی در خیابان می باشد! تیتز درشت می تواند این باشد: سگی مردی را در خیابان گاز گرفت! این تیتز هیچ چیز غیر طبیعی در خود ندارد. حالا کافی است که جای مرد را با سگ عوض کنید. در جمله هیچ چیز کم و زیاد نشده است! ولی در حالیکه جمله اول هیچ چیز جالبی را در خود ندارد، برعکس جمله دوم که حاکی از یک عمل غیر معمول یعنی گاز گرفته شدن سگی توسط مردی می باشد، فروش بالایی را نیز برای روزنامه به همراه خواهد داشت.

مثال آخرم بی شباهت با برخورد کاملا "صادقانه" و "امانتدارانه" مدیای غربی و اسرائیلی با تراژدی فلسطین نیست. زنی را مجسم کنید که در خیابان مورد تجاوز وحشیانه غول بی شاخ و دمی قرار می گیرد. صحنه فجیع و درد آوری است. بویژه که حاضرین در صحنه نیز از ترس آن نرینه وحشی، جسارت دخالت در صحنه و جلوگیری از تجاوز را نداشته باشند. در این هنگام زن بیچاره برای دفاع از خود چنگ انداخته و چشم متجاوز را از حدقه بیرون می کشد. فرض کنید که فیلمبرداری هم در صحنه حاضر است و صورت خونین و چشم از حدقه درآمده عنصر متجاوز را ثانیه به ثانیه ضبط کرده و کل ماجرا را نیز با امانت کامل برای تلویزیون مربوطه می فرستد. تلویزیون هم بی هیچ کم و کاستی و بی هیچ توضیح و تفسیر اضافی، فیلم را از نقطه ای که زن چشم مرد را از حدقه بیرون می آورد به نمایش می گذارد. بارها و بارها!

عجیب است در نمایش فیلم دست برده نشده! دروغی گفته نشده! با اینحال بسادگی جای متجاوز و مورد تجاوز واقع شده عوض می شود این همان کاری است که مدیای شما می کند. می بینید! نگفتن تمام حقیقت تنها دروغگویی نیست! از آن بیشتر، جنایت است!

این آن گناهیست که نا بخشودنی می نماید!